



دانشگاه سام نور
په

تاریخچه کتابت

(رشته هنر)

نوشین دخت نفیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مؤلف

۱	بخش اول: تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در هنر اسلامی
۴۹	منابع بخش اول

۴۱	بخش دوم: تاریخچه‌ی تصویر در ایران
۶۹	منابع بخش دوم

۷۱	بخش سوم: هنرهای کتاب‌سازی
۱۰۴	منابع بخش سوم

۱۰۵	بخش چهارم: پیدایش چاپ در ایران
۱۲۰	منابع بخش چهارم

۱۲۰	ضمیمه مختصر تقویم تاریخی عالم اسلام و ایران
-----	---

مقدمه‌ی مؤلف

کتاب حاضر متن آموزشی است که به منظور تدریس ۲ واحد «تاریخچه‌ی کتابت» در واحدهای اختصاصی رشته‌های هنر، گروه‌های صنایع دستی، ارتباط تصویری و غیره تهیه شده است، مطالب آن بر مبنای سرفصل‌های مصوب ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد. و هدف این درس آشنایی دانشجویان با زمینه‌های کتابت و صفحه‌آرایی از گذشته تا امروز برای ایجاد تحول در دانشجو و دادن جهت حرکت با هویت خودی است. متن کتاب به چهار بخش تقسیم شده است.

بخش یکم: خط، شامل تاریخچه‌ی پیدایش الفبای عربی و تاریخچه‌ی خوشنویسی در جهان اسلام و ایران است. با معرفی قلم‌های مختلف و شیوه‌های خوشنویسی در تهیه‌ی نسخه‌های خطی کلام الله مجید، معرفی خوشنویسان مشهور ایران - در خطوط نسخ و نستعلیق و شیوه‌های هر یک تا پایان سده‌ی ۱۱ هجری شمسی.

بخش دوم: نگارگری و تاریخچه‌ی تصویر در ایران است. در این بخش برگزیده‌ای از تصاویر موجود در نسخه‌های خطی فارسی از آغاز تا پایان سده‌ی یازدهم هجری مورد بررسی قرار گرفته و تاریخچه مراحل تحول و تحلیل هنری آنها در چهار مقطع زمانی شاخص در نگارگری ایران: سده‌های چهارم تا هفتم هجری (دوران سلجوقی، سده‌ی هشتم هجری (دوران ایلخانی) سده‌ی نهم هجری (دوران تیموری - مکتب‌های شیراز و هرات). سده‌ی دهم و یازدهم - مکتب صفوی اصفهان - مکتب رضا عباسی ارائه شده است.

بخش سوم: درباره‌ی سایر هنرهای کتاب‌سازی است شامل: آرایش نسخه کاربرد و شیوه‌های هنری آن رنگ و مواد مورد استفاده - جلدسازی و انواع جلدهای چرمی - لاک‌ی و پارچه‌ای. و تحلیل هنری و روش تهیه‌ی هر یک. قطعه و مرقع‌سازی نیز در این فصل معرفی شده است انگیزه و شیوه‌ی ساخت آن ارزش هنری قطعه و مرقع و چند مرقع معروف حاوی آثار هنرمندان ایرانی نیز معرفی شده است.

مطلب پایانی این فصل به کاغذ اختصاص داده شده است و با پیشینه کاغذسازی در تمدن‌های باستانی و ورود آن به تمدن اسلامی آغاز شده و انواع کاغذهای مورد استفاده و مراکز مهم آن و آماده‌سازی و قطع کاغذ برای تهیه نسخه‌های خطی معرفی شده است.

بخش چهارم: درباره‌ی چاپ می‌باشد - پس از تعریف فن چاپ اشاره کوتاهی به پیشینه این فن در تمدن‌های باستانی و کوشش‌هایی که در راستای انجام آن به عمل آمده است تا اختراع دستگاه چاپ توسط گوتمبرگ در سده‌ی پانزدهم میلادی - تاریخچه‌ی ورود چاپ به ایران - بخش دوم مطلب است که با کوشش‌های ناموفق دوران صفوی آغاز می‌شود و سپس با تأسیس چاپخانه سُرّبی در زمان عباس میرزا قاجار و پس از آن ایجاد چاپخانه‌های متعدد در شهرهای مختلف ادامه می‌یابد و با نگاهی کوتاه به ابعاد هنری و اجتماعی رواج چاپ سنگی در ایران مطلب پایان این بخش می‌یابد.

مطالب کتاب بر مبنای تحقیق کتابخانه‌ای گردآوری شده و از آثار استادان پیش‌کسوت چون شادروان مهدی بیانی بیشترین بهره گرفته شده است. بخش تحلیل هنری نگارگری نسخه‌های خطی ثمره تجربه آموزشی چندین ساله مؤلف در دانشکده‌های هنری تهران است کوشش شده تا نسخه‌های خطی و آثار مورد بررسی از مجموعه‌های موزه‌ها و کتابخانه‌های کشور باشد به امید آنکه دانشجویان روزی موفق به دیدار اصل آنها گردند.

والسلام

نوشین دخت نفیسی

بخش اول

تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در هنر اسلامی

پیدایش خط عربی

در مورد پیدایش خط عربی و ارتباط آن با سایر خطوط زبان‌های سامی گرچه نظریه‌های متعددی ابراز شده است ولی همه محققان اتفاق نظر دارند که حدود قرن پنجم میلادی، یعنی دو قرن پیش از ظهور دین مبین اسلام مردمان ساکن نواحی شمال خاوری عربستان، شهرهایی چون «حیره» و «انبار» در ساحل رود فرات خطی به کار می‌بردند که به نام «عربی شمالی» معروف گشت این خط به‌طور عمده و مستقیم به خط نبطی وابسته بود.

نبطی‌ها از قبایل نیمه کوچ‌کننده‌ی عرب بودند که به‌طور عمده به‌کار بازرگانی اشتغال داشتند و در صحرای سینا، شمال عربستان و جنوب سوریه زندگی می‌کردند و در این نواحی حکومت متمرکز تشکیل داده بودند که تا سده‌ی دوم میلادی ادامه داشته و در این زمان مغلوب امپراطوری روم گردید. برای نیازهای بازرگانی و کشوری خود از خط الفبایی استفاده می‌کردند. که قرن‌ها پس از سقوط حکومت آن‌ها در سراسر خاورمیانه آن زمان متداول و پایدار ماند نبطی‌ها نیز خط خود را از خط آرامی اقتباس کرده بودند. آرامی‌ها نیز از ساکنان باستانی نواحی فلسطین و شام بودند، که سهم به‌سزایی در تدوین و گسترش خطوط الفبایی داشته‌اند. و خط و زبان آن‌ها بیش از یک هزار سال پیش از میلاد مسیح زبان مبادلات و بازرگانی از ساحل مدیترانه تا شبه قاره‌ی هند بود. از خط نبطی بیش از ۳۰۰ اثر در نواحی حجاز و شبه جزیره سینا باز مانده

است. قدیمی‌ترین اثری که از زبان عربی به خط نبطی بازمانده است کتیبه‌ای است که در سال ۳۲۸ میلادی بر سر مزار امرء القیس در حیره نوشته شده است و مطالعه آن نشان می‌دهد که تا چه حد الفبای قدیم عربی به الفبای نبطی نزدیک است با مقایسه اشکال الفبایی کتیبه‌های متأخرتر می‌توان مراحل انتقال خط عربی را برقرار کرد تا آنکه در قرن پنجم میلادی به مرحله‌ی شکل‌گیری خط عربی شمالی متداول نزد قبایل «انبار» و «حیره» دست یافت. این تحول نزدیک به دو قرن به طول انجامید. و یک قرن پیش از ظهور دین مبین اسلام این خط به حجاز در باختر عربستان راه یافت. به روایت ابن ندیم مورخ سده چهارم هجری در کتاب مشهور «الفهرست»^۱ خط عربی ابتدا چهار قسم: مکی، مدنی، بصری و کوفی بوده است و بشر بن عبدالملک ساکن حیره اولین کسی بود که خط عربی را به مکه انتقال داد.

کسانی که نگارش را از بشر و دوست و ناپدری او حرب ابن اُمیه آموخته‌اند و کاتبان چیره‌دست شدند حضرت علی ابن ابیطالب (ع)، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، طلحه بن عبدالله، ابو عبیده بن جراح و معاویه بن ابوسفیان را می‌توان برشمرد که همه نقش‌های عمده در صدر اسلام ایفا کردند.

پس از مکه خط‌نویسی در مدینه رواج یافت، قبایل این شهر مانند «اوس»، «خزرج» و «ثقیف» با اشتیاق به فرا گرفتن آن پرداختند. از خوشنویسان مدینه «زید بن ثابت» (متوفی ۴۵ هـ) نه تنها به مقام منشی‌گری پیامبر اکرم (ص) رسید بلکه وظیفه گردآوری و ثبت نخستین نسخه قرآن در دوره خلافت عثمان به وی محول گردید در طی دو قرن اول هجری طریقه و طرز نوشتن‌های متعددی معمول بوده است، که قلم و در جمع اقلام نامیده می‌شدند. تعداد این اقلام را تا ۲۴ قلم مختلف هم ذکر کرده‌اند ولی به نظر «ابن درستویه فارسی» در کتاب «الکتاب» (۲۵۸-۳۳۶ هـ) اصل خط‌ها یکی بوده و صورت و شکل واحد هم داشته‌اند و اگر اختلافی از نظر ظاهر حروف به نظر می‌رسیده به واسطه تصرف و تفنن کاتبان بوده است و این اختلاف از لحاظ ثقیل و خفیف بودن، تند و ملایم، درشت و ریز، آشکارا و در هم کشیده، مدور، متفرق و جمع نوشتن حروف و نزدیک و دور بودن سطرها به یکدیگر بوده است در میان این دست‌آوردها خط کوفی جانشین دیگر شیوه‌ها

۱. محمد بن اسحاق الندیم - الفهرست - ترجمه رضا تجدد - ۱۳۴۶ - بخش گردآورندگان قرآن در زمان پیامبر.

گردید و چون برای نگارش قرآن برگزیده شد همراه با گسترش دین مبین اسلام به شرق و غرب رفته و خط بین‌المللی مسلمانان گردید و سالیان سال دوام داشت.

خط کوفی اولیه دارای شیوه‌ای قدیمی، ساده خالص و بی هیچ گونه تزیین بود. به مرور نقطه و اعراب به آن افزوده شد. این امر در حدود نیمه‌ی دوم قرن اول هجری شروع شده و در حدود یکصد سال بعد تکمیل گردید. گویند اولین کسی که اقدام به نقطه گذاری حروف کرد ابوالاسود دؤلی (دوئلی) (متوفی ۶۹ هـ) بود.

اعراب نیز همدوش با آن پیش رفته علامات حرکات فتحه، ضمه و کسره و تنوین و غیره نیز وضع شد و خط کوفی به خطی پخته و رسا بدل گشت. و سپس به دو شعبه شرقی رایج در سرزمین‌های عربی و ایران. و شعبه‌ی غربی متداول در شمال افریقا و آندلس (اسپانیا) متمایز گردید.

ویژگی‌های نسخه‌های قرآن مجید به خط کوفی

۱. **رق و کاغذ:** در سده‌های آغازین اسلام برای ثبت کلام الله ورق‌هایی از پوست آهو و یا گوسفند تهیه می‌کردند. به این ترتیب که پوست را به دقت دباغی و صیقلی کرده و بر روی آن می‌نوشتند. این پوست‌ها را «رق» می‌نامند.

۲. **قلم و مرکب:** قلم مورد استفاده درشت بوده و قطع افقی داشته است در نتیجه در هر صفحه بیش از ۳ تا ۵ سطر بیشتر جای نمی‌گرفته است و هر سطر نیز از چند کلمه تجاوز نمی‌کرده است. ولی به مرور زمان و کسب مهارت در نویسندگی و تهیه‌ی وسایل آن خط‌ها ریزتر شده و تعداد سطرهای هر صفحه افزوده شده کار نویسندگی به‌طور کلی با مرکب مشکی انجام می‌گرفت ولی برخی نسخه‌های تجملی با آب طلا نوشته شده‌اند - نقطه و اعراب را با رنگ قرمز اضافه می‌کردند.

۳. **آرایش نسخه:** در آغاز به منظور تعیین سر سوره‌ها و جزوات و محل سجود و غیره محل مورد نظر را زرانود می‌کردند. طرز آرایش قرآن‌های کوفی قدیم به نسبت یکنواخت بوده و بیشتر دارای دو صفحه عنوان سر سوره با نقش هندسی و در کنار سر سوره یک گل درشت تزئینی و چند ترنج کوچک در محل جزوات می‌باشد.

در نخستین سده‌های اسلام طرز آرایش قرآن در تمامی سرزمین‌های اسلامی از

جمله ایران کم و بیش یکسان اجرا می‌شد و شیوه‌ی هنرمندان تذهیب کار را فقط بر روی زمینه‌ی زراندود تشخیص داد. زمینه زراندود سر سوره‌ها و در ترسیم‌های ساده هندسی و گیاهی که به آن افزودند، رنگ لاجورد - پس از طلا دومین رنگی بود که استفاده می‌شد، به مرور سفیدآب و زعفران نیز به آن افزودند - یکی دیگر از روش‌های تزئین آن بود که متن را به کلی رنگین می‌کردند، مانند لاجوردی یا ارغوانی و با قلم مشکی و یا زر بر آن می‌نوشتند.

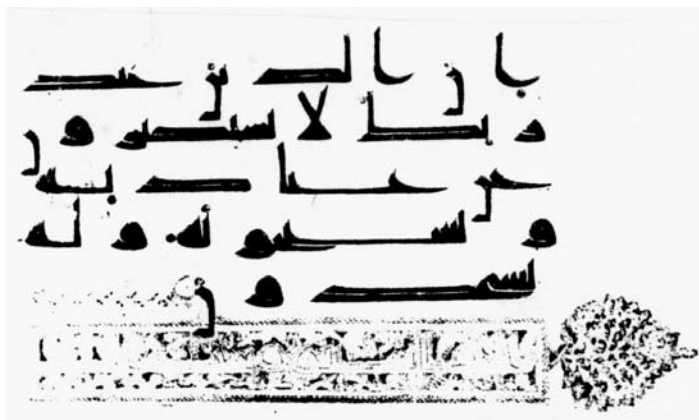
۴. جلد: آسیب‌پذیرترین قسمت یک نسخه قدیمی جلد آن است که وظیفه‌ی محافظت برگ‌های کتاب را به عهده دارد. تمام نسخه‌هایی که حداقل از چهار قرن آغاز اسلام در دست است همگی دست کم دو بار تجلید شده است. در حال حاضر قدیمی‌ترین جلدی که شناخته شده از گنجینه‌ای است که چندی قبل در یک اطاق متروک در مسجد جامع شهر قیروان در کشور تونس به دست آمده و اکنون در موزه مسجد در معرض نمایش است. این جلد از یک ورق چرم تشکیل شده که آن را بر روی یک صفحه‌ی نازک چوب درخت تبریزی چسبانده‌اند. و با ابزارهای ساده دستی نقوش هندسی بر روی آن ساخته‌اند - گرچه محل ساخت آن روشن نشده است ولی با در نظر گرفتن این نکته که شیوه‌های کتاب‌سازی در سده‌های نخستین اسلام در کلیه‌ی سرزمین‌های اسلامی کم و بیش یکسان بوده است این نوع جلد‌های چرمی بر صفحه‌ی چوب و یا مقوا را می‌توان به کلیه‌ی مراکز تهیه نسخه‌های قرآن تعمیم داد.

۵. قطع: قطع این نوع نسخه‌های کلام الله بر روی پوست آهو - مستطیل افقی می‌باشد یعنی ضلع عمودی آن کوتاه و ضلع افقی آن بلندتر است و عطف در ضلع کوچک عمودی قرار دارد. در اصطلاح کتاب‌شناسی این قطع را «بیاض» نام نهاده‌اند.

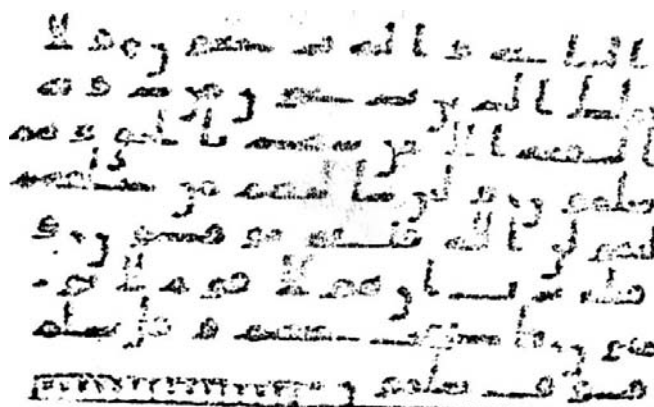
معرفی چند نسخه کلام الله به خط کوفی بر روی پوست

۱. قدیمی‌ترین نمونه‌ای که می‌شناسیم، برگ‌های پراکنده جزئی است به ابعاد 81×31 سانتیمتر که دو برگ آن در موزه شهر قیروان - در کشور تونس نگهداری می‌شود. در این نسخه تمامی متن را زمینه‌ی لاجوردی کرده و با قلم زر بر آن نوشته‌اند. به تأیید کارشناسان این برگ‌ها از نسخه کلام‌الله بوده که مأمون خلیفه‌ی عباسی (۱۹۸-۲۲۳ هـ) دستور تهیه‌ی

آن را برای حضرت امام رضا(ع) داده بود. بنابراین از سده‌ی سوم هجری است.
۲. در گنجینه‌ی قرآن موزه ملی ایران (ایران باستان سابق) نمونه‌های گران‌بهایی از این گروه نسخه‌های کلام‌الله نگهداری می‌شود که به‌نام ائمه اطهار یا منسوب به ایشان است. یکی از آن‌ها که از نظر خط بر سایرین ترجیح دارد دارای رقم علی ابن ابیطالب می‌باشد نسخه‌ای است بیاض به ابعاد: عرض ۳۴ و بلندی ۲۳ سانتیمتر. شامل ۱۴۵ برگ که در هر صفحه ۵ سطر نوشته دارد و نقطه‌های سرخ و با سوره‌های مذهب و نقش یک برگ در کنار آن. تاریخ تقریبی نسخه سده‌های سوم یا چهارم هجری می‌باشد.



۱. یک برگ از نسخه‌ی کلام‌الله به خط کوفی با رقم علی بن ابیطالب - بر روی پوست - از سده‌ی چهار هجری



۲. کوفی ساده بدون نقطه و بدون اعراب

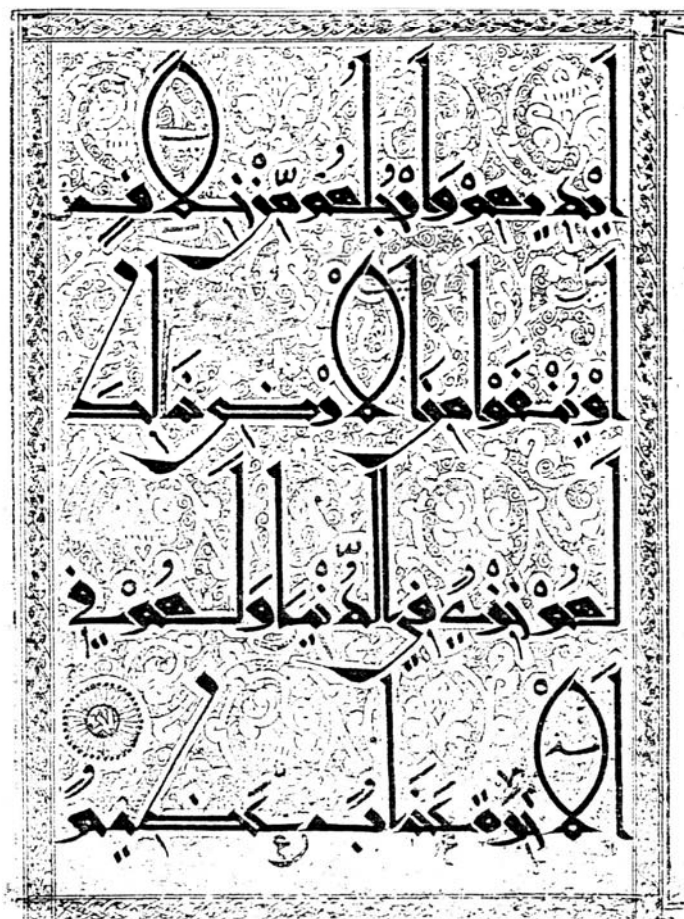
نسخه‌های کلام‌الله به خط کوفی بر روی کاغذ

نخستین نمونه نسخه‌ی کلام‌الله به خط کوفی بر روی کاغذ به سال ۳۶۱ هجری باز می‌گردد. شانزده مورد جزوه‌ها قرآنی که به مناسبت حسن خط و روشن بودن تاریخ آن حائز اهمیت است این جزوه‌ها در کتابخانه‌ی آستانه‌ی حضرت امام رضا در مشهد و موزه‌ی ملی ایران نگهداری می‌شود. جزوه‌ها به ابعاد تقریبی ۲۶×۲۰ سانتیمتر است و دارای رقم «عثمان ابن حسین بن الوراق» می‌باشد. به تاریخ ۴۶۶ هـ هر صفحه دارای ۳ یا ۴ سطر نوشته شده است که با مرکب مشکی به زمینه‌ی اسلیمی سرخ نوشته شده. دارای دو سر لوح مذهب و مرصع است^۱ و نقش حاشیه این قرآن در شمار خوش‌خط‌ترین قرآن‌های کوفی است که از قرن پنجم هجری باقی مانده است. هر آنچه سبب زیبایی شیوه کتابت این قرآن گردیده وضع ترکیب حروف آن است که به نسبت متضاد حاصل شده و در برابر حروفی که با تمام قلم نموده شده دنباله کوتاه و باریک آن‌ها قرار گرفته و یا به واسطه قامت بلند «الف» از هم مجزا گردیده است. بدین شیوه نوشته‌های متعددی در دست است که همه در مکتب خراسان در قرن پنجم هجری تهیه شده است این شیوه به کوفی «سامانی» مشهور است. از مراکز عمده آن می‌توان نیشابور و دامغان را نام برد. گرچه در طی سده‌های پنجم و ششم هجری نیز زمان حکومت سلجوقیان در ایران بود ولی نام «سامانی» طی چند قرن بعد نیز برای این شیوه خوشنویسی خط کوفی حفظ شد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در شیوه‌ی ایرانی خط کوفی قسمت‌های عمودی حروف موسوم به «مد» از قسمت‌های افقی موسوم به «جر» روشن‌تر، واضح‌تر و کشیده‌تر است و یا به عبارت دیگر «مد»ها واضح‌تر از «جر»ها می‌باشد.

از نسخه‌های خطی ادبی و علمی مربوط به قرون اول اسلام در ایران مقدار قابل ملاحظه‌ای در دست نیست و بیشتر آن‌ها در اثر حوادث تاریخ و آسیب‌پذیری کاغذ از بین رفته است ولی به‌نظر می‌رسد که ایرانیان به‌طور تفنن بعضی از کتاب‌ها را به خط کوفی می‌نوشتند و از یک نوع کوفی تحریری که تصرفاتی در آن کرده بودند برای این منظور استفاده می‌شد از نمونه‌های جالب آن که در دسترس داریم کتاب «الانبیه عن

۱. رجوع شود به فصل سوم - آرایش نسخه - مبحث ترصیع.



یک برگ از کلام‌الله مجید - به خط کوفی سامانی - خراسان - سده‌ی پنجم هجری
قمری زمینه‌ی اسلیمی - به رنگ قرمز

الحقایق الادویه» به خط اسدی طوسی شاعر معروف به سال ۴۴۷ هجری است. خط متداول متن‌های ادبی و تاریخی و علمی آن زمان نسخ بود.

از قرن چهارم هجری خط کوفی منحصراً جنبه‌ی تزئینی پیدا کرد، برای کتیبه‌ها و بناها، در آرایش منسوجات و ظروف سفالین و هنری به کار گرفته شد. زیرا که ترکیب حروف در این خط از حیث عمودی و افقی بودن و اتصال آن‌ها به یکدیگر و گره‌ها برحسب ذوق و تفنن و سلیقه کاتب صورت‌پذیر بود. در ایران استفاده‌ی تزئینی از این خط به حد اعلای قوت خود رسید و هنرمندان در این از آن حداکثر استفاده را بردند.

آغاز خوشنویسی در جهان اسلام

در طی دو قرن اول اسلام خطوط عربی تکوین و پیدایش یافت ولی از این مدت اطلاعات زیادی راجع به توجهی به حسن خط نداریم. فقط از اواخر سده‌ی دوم و اوایل قرن سوم بود که ذکری از خوشنویسان متعدد خط عربی به میان آمد. و پیش از آن فقط یکی دو تن کاتب را که در خدمت خلفای اموی بودند ثبت شده است.

مورخان مسلمان مأمون خلیفه‌ی عباسی و برمکیان وزرای ایرانی وی^۱ را از مروجین هنر خوشنویسی و از مشفقین خوشنویسان معرفی کرده‌اند. خط عربی در آخر قرن سده‌ی سوم و آغاز قرن چهارم با ظهور محمد بن علی الفارسی - از اهالی فارس و ملقب به ابن مقله وزیرالمقتدر خلیفه‌ی عباسی متولد ۲۷۲ که در سال ۳۲۸ هجری به‌دستور خلیفه‌ی الرازی بالله (ابوالعباس محمد الرازی بالله) به قتل رسید، وارد مرحله‌ی جدیدی شد که باید آن را مقدمه‌ی تکامل این خط دانست. این مرد بزرگ پیش قدم نهضت یکی از مهمترین مظاهر هنری اسلامی یعنی «خوشنویسی» است، تمام مورخان که ذکر خطوط اسلامی را کرده‌اند برآنند که تا زمان ابن مقله هیچ یک از خطاطان به قدرت او در خوشنویسی اقلام مختلف نیامده است. بعضی دیگر گویند که «اقلام سته» که اصول خطوط متداول اسلامی است یعنی: مُحَقَّق، ریحان، ثُلث، نسخ، توقیع و رقاع را ابن مقله از خط کوفی اقتباس کرده است. آنچه مسلم است این است که ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده و به بعضی از آن‌ها سر و صورتی داده است ولی نسبت دادن وضع تمام

۱. برمکیان - خاندان ایرانی بودند که در آغاز خلافت عباسیان متصدی کارهای مهم بودند - از مشاهیر این خانواده خالد بن برمک و پسرش یحیی و دو پسر او فضل و جعفر همگی صاحب علم و ادب و فضائل اخلاقی بودند و در منصب وزرات خلفای عباسی خدمت می‌کرده‌اند.

آن اقلام به او جایز نیست.

به هر حال ابن مقله اولین کسی است که خطوط مزبور را تحت قاعده و انضباط درآورد و اصل خطوط را بر مبنای دایره و سطح پایه نهاده است. باید متذکر شد که ابن مقله دارای نبوغ و ورزیدگی خاصی در علم هندسه بود. قواعد بنیادی خوشنویسی ابن مقله را چنین بیان کرده‌اند: نقطه لوزی واحد سنجش است. اشکال هندسی حروف را تجدید طراحی شده و اندازه نسبی آن‌ها را «نقطه‌ی لوزی» و «الف بنیادی» و «دایره‌ی مبنا» تثبیت می‌شود.

نقطه‌ی لوزی: از حرکت قلم از امتداد قطر کاغذ به دست می‌آید. به طوری که اضلاع برابر نقطه با پهنای قلم برابرند.

الف بنیادی: خط مستقیم و قائمی است که طول آن برابر تعداد معینی نقطه‌ی لوزی است که از رأس به هم چسبیده‌اند. و تعداد آن‌ها بنا به سبک نگارش از ۵ تا ۷ است.

دایره مبنا: قطری برابر الف دارد. آن نیز مانند الف مبنا شکل هندسی بنیادی را تشکیل می‌دهد.

از ابن مقله نمونه‌ی خطی باقی نمانده ولی کارشناسان یک جزوه قرآن در کتابخانه ملی مصر و یک قطعه خط در کتابخانه کاخ گلستان را که بدون رقم می‌باشد را به وی نسبت می‌دهند. در موزه بغداد نیز نه برگ به نسخ و ثلث نگهداری می‌شود که دارای رقمی است که به ابن مقله منسوب کرده‌اند.

دو تن از شاگردان ابن مقله به نام‌های محمد بن علی شیرازی سمسائی و محمد بن اسد، کار استاد خود را دنبال کردند و یکی از شاگردان هنرمند جوانی به نام ابوالحسن علی بن هلال معروف به ابن بواب (وفات ۴۱۳ هـ) نکات مهمی را به ماحصل کار ابن مقله افزود. نامبرده بدون آنکه تغییری در هیچ‌یک از قواعد ابن مقله وارد کند، از برکت روح هنرمندانه خود موفق شد به هماهنگی هندسی حروفی که به وسیله‌ی ابن مقله طرح شده بود ملاحظت و ظرافت بیفزاید. ولی ره‌آورد وی در خوشنویسی دارای همان ارزش سهم ابن مقله است.

ابن بواب به تکمیل و تزئین شش قلم (خط) اقدام کرد. ولی بیش از همه خطوط نسخ و محقق را می‌پسندند. و ابداع قلم ریحان را نیز به او نسبت می‌دهند. گرچه گفته‌اند که وی شصت و چهار قرآن و تعدادی کتاب‌های غیردینی را تحریر کرده است ولی فقط یک نسخه از قرآن‌های او بر جا مانده است که دارای تاریخ ۳۲۹ هجری است.

تراش خاص قلم و تهیه و انتخاب مرکب مناسب نیز از وسایلی بود که او را در این کار یاری کرد.



نمونه رقم ابن بواب به قلم ثلث

مورخان اسلامی پس از دوران ابن بواب، طی دو قرن، عده‌ی زیادی از خوشنویسان را نام برده‌اند. که بعضی از شاگردان مستقیم وی و بعضی از پیروان شیوه‌ی او بودند. هریک، کم‌کم به زیبایی و استواری خطوط اسلامی افزودند. تا نوبت به یاقوت مستعصمی رسید.

یاقوت (وفات ۶۹۸ هجری) روش تازه‌ای در تراشیدن قلم ابداع کردن و قطع زدن مایل را متداول ساخت. این امر به او امکان داد که بُعد تازه‌ای در توازن و زیبایی اقلام سته ایجاد کند و به کمال مطلوب برسد. به علاوه یاقوت شیوه‌ی تازه‌ای در خط نسخ نیز به وجود آورد که به نام «نسخ یاقوتی» معروف است. مشهور است که یاقوت هنرمندی سخت کوش بود و شخصاً همه روزه به عنوان تمرین دو جزو قرآن را می نوشت. ظاهراً حتی در ایامی که بغداد در سال ۶۵۶ هجری زیر حمله‌ی مغول می سوخت وی به زیر مناره‌ای پناه برد و در آنجا بر تکه کتانی می نوشت و مینیاتوری از آن نیز در دست است. آثار یاقوت بسیار کمیاب است و اکنون از جمله ارزشمندترین گنجینه‌های هنر اسلامی که به دستمان رسیده به شمار می آید.



نمونه رقم یاقوت مستعصمی ۶۲۱

پس از دوره زندگی طولانی یاقوت و شروع قرن هشتم هجری باب تازه‌ای در خوشنویسی باز شد و پیروان سبک یاقوت مخصوصاً شاگردان بی‌واسطه‌ی او که شش تن بودند و به استادان ششگانه معروف شده‌اند پایه خطوط اصولی را در جایی نهاده که کمتر کسی به آن مرتبه رسید. این استادان به نام: احمد سهروردی، یوسف مشهدی، سید چیدر گنده‌نویس، نصرالله طبیب، ارغون بن عبدالله کابلی و مبارکشاه بن قطب تبریزی یا خواجه مبارکشاه همه ایرانی بودند. آثار کم نظیر ایشان از نفایس آثار هنری اسلامی و موجب سرافرازی و افتخار و نماینده استعداد سرشار ذوق ایرانیان در این هنر است.



مجلس نقاشی که از آن یاقوت مستعصمی به هنگام حمله‌ی مغولان به شهر بغداد به مناره‌ای پناه برد و در آنجا به نویسندگی می‌پردازد. به نقل از نسخه‌ی خطی گلستان هنر سده‌ی یازدهم هجری - مجموعه خصوصی.

گلستان هنر - تألیف قاضی احمد قمی کتابی است که از سده‌ی یازدهم هجری شامل شرح حال و احوال خوشنویسان، مذہب‌ها، نگارگران و شیوه‌های مختلف هنری در خوشنویسی، تذهیب، نگارگری و آداب مربوط به آن.



صفحه‌ای از قرآن به خط محقق به قلم یاقوت مستعصمی سنه ۶۷۴ هجری قمری -
موزه‌ی هنرهای تزئینی ایران

از این پس مدت دو قرن مهمترین مراکز خوشنویسی اسلامی، در سرزمین ایران بود و از حوزه‌های مهم آن: خراسان، فارس و آذربایجان بود و استادانی چون پیر یحیی جمالی صوفی و عبدالله صیرفی، به ظهور رسیدند.

معرفی «اقلام سته»

خط ثلث: خطی ایستا تا حدودی تشریفاتی است و به‌طور عمده برای آرایش نسخه‌های خطی و کتیبه‌ها به‌کار می‌رفت. دگرگونی زینتی از خط ثلث به‌وسیله‌ی

ابن‌بواب و یاقوت ابداع شد و این شیوه چنان پیوند نزدیکی با قرآن و سایر متون دینی پیدا کرد که به حق بیشترین بار مذهبی را کسب کرده است. و به علت حرکات و ضربه‌های عمودی موجود در این خط به آن ریتمی داده است که القاء کننده عظمت و قدرت می‌باشد. به‌همین علت در کتیبه‌نویسی و سایر عناصر معماری اسلامی آمده است. به‌کار بردن اعراب و ضوابط و حروف خفیفه در این خط که حتی الزامی می‌باشد تعادل بصری بین لکه‌های سفید و سیاه خط به‌وجود می‌آورد.

از خوشنویسان معروف این خط بعد از یاقوت مستعصمی می‌توان از شیخ‌زاده احمد سهروردی، یوسف مشهدی، ارغون بن عبدالله کابلی، مبارک‌شاه بن قطب تبریزی، نصرالله طیب - سید حیدرگنده‌نویس - یحیی جمالی، عبدالله صیرفی - جعفر بایسنقری - شمس بایسنقری - بایسنقر میرزا - ابراهیم میرزا تیموری نام برد.

خط نسخ: خط نسخ گرچه به‌عنوان لفظی از اواخر قرن دوم هجری متداول بود و حتی پیش از آن نیز خطی به نام نسخ قدیم را نیز به‌کار می‌بردند ولی خطی را که امروز می‌شناسیم و ابن‌مُقله آن را تنظیم کرد در اواخر قرن پنجم هجری شکل اصولی به خود گرفت. در آن زمان از خطوط زیبا به‌شمار نمی‌آمد. و برای مکاتبات معمولی به‌کار می‌رفت، ولی از آنجا که تابع مقررات خاصی نبود می‌توانست بیشترین بهره را از قواعد ابن‌مُقله کسب کند، ابن‌مُقله نیز شخصاً حروفی با تناسبات بی‌نقص برای خط نسخ وضع کرد. و آن را به سطح یک خط عمده ارتقاء داد. ابن‌بواب که علاقه‌ی خاصی به خط نسخ داشت آن را به خطی در خور قرآن مبدل ساخت به علت سادگی آن نسبت به کوفی و ثلث بیشتر مورد توجه قرار گرفت. نامگذاری آن نیز به علت این بود که «در کتابت قرآن ناسخ خط‌های دیگر شد» و امروز به خط قرآنی نیز معروف است.

خط محقق: ویژگی این خط خطوط قائم طویل و عدم هرگونه امتداد یا عنصر تزئینی در زیر خط است کمال آن نیز به‌دست ابن‌بواب تحقق یافت که با رسم عناصر کم‌افت و کشیده در زیر خط به منظور القاء پویایی و رسم خطوط قائم کشیده به منظور ایجاد شکوه اقدام کرد. این تحول باعث شد که خط محقق متجاوز از چهار قرن در سراسر سرزمین‌های اسلامی عراق و ایران، مصر و شام - دوران مملوک‌ها و ایران ایلخانی خط برگزیده کتابت قرآن باشد.

خط ریحان: گرچه مشتق از نسخ می‌دانند ولی ویژگی‌هایی با خط ثلث نیز دارد. گرچه از آن بسیار لطیف‌تر است و این لطافت به آن خاطر است که خطوط قائم و عناصر تزئینی حروف آن به تیزی ختم می‌گردد. اعراب آن بسیار ظریف و با قلمی ریزتر نوشته می‌شود. اعراب‌ها معمولاً رنگین هستند. یکی دیگر از ویژگی‌های ریحان در مقایسه با ثلث این است که خطوط قائم آن مستقیم و ممتد می‌باشد. خط ریحان به‌طور معمول با قلمی نصف پهنای قلم محقق نوشته می‌شود. ولی از اصول مشترک آن با خط محقق آن است که مرکز حلقه حروف هرگز پُر نمی‌شود. به عکس محقق تزئیات زیر خط بسیار دارد قوس‌های آن از قوس‌های ثلث بازترند. خط ریحان خط مطلوب قرآن‌های بزرگ شد. و آن هم از سده‌های هفتم و هشتم هجری. در دوره‌ی ایلخانان و سلاطین مملوک مصر رواج کامل داشت.

خوشنویسان قلم‌های محقق و ریحان عبارتند از: فضل ابن سهل ذوالریاستین، اصول محرر، ابو علی ابن مُقله، ابوعبدالله و ابومحمد اصفهانی ... که آثار جالبی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

خط توقیع (امضاء): برای مکتوبات مهم اختصاص داده شده. با خط ثلث بسیار نزدیک است و چون قوس‌های آن کم انحنا است سنگین به نظر می‌رسد. در کشور عثمانی (ترکیه سابق) شیوه‌ای از آن متداول گشت که با ثلث در اندازه‌ها مشابه بود و بسیار مورد پسند قرار گرفت.

خط رقاع: که از «رقعه» برگ کوچک گرفته شده مانند توقیع است و از هر دو خط نسخ و ثلث گرفته شده - خصوصاً صورت تزئینی حروف آخر آن از جهات بسیاری به ثلث شباهت دارد. ولی بسیار ریزتر است - و الف‌های آن هرگز با انتهای افشان نوشته نمی‌شود. خط رقاع نیز مورد توجه خوشنویسان عثمانی بود. در ایران برای نوشتن نام کاتب، سفارش‌دهنده، صاحب کتابخانه تاریخ و زمان کتابت و جز آن در صفحات فاتحه و بدرقه به‌کار می‌رفت.

دو خط کتابت دیگر را نیز باید به «اقلام سته» افزود: «غبار و طومار»

غبار: غبار که تا امروز دوام یافته دارای حروف ریز مدور با ویژگی‌هایی که با ثلث و نسخ مشترک است - ابتدا برای نوشتن پیام‌ها و مکاتبات بر برگ‌های کوچک کاغذ استفاده می‌شد ولی بعد برای قرآن‌های بسیار کوچک نیز استفاده شد.



قطعه‌ی خوشنویسی منسوب به جعفر بایستقری - خوشنویس سده‌ی نهم هجری در هرات که در آن هشت قلم متداول در کنار یکدیگر تنظیم شده‌اند.
 ۱. ریحانه ۲. ثلث ۳. توقیع ۴. نسخ ۵. نستعلیق ۶. تعلیق

خط طومار: که از قدیمی‌ترین خطوط عربی است با حروف درشت و سنگین نوشته می‌شد. ولی از قرن چهارم به بعد حالت ایستا و زاویه‌دار خود را از دست داد و با تغییراتی که خوشنویسان معروف در آن به عمل آوردند به خطی مجلل با قوس‌های موزون بدل شد و مشابه ثلثی شد که بسیار درشت نوشته شود.

نسخه‌های کلام الله به خط‌های ثلث و نسخ و ریحان

پیش از این گفته شد که با رواج اقلام سته، خط کوفی برای متن‌نویسی کاربرد خود را کم‌کم از دست داد. چه دشواری از نویسندگی آن مانع از سرعت عمل بود گسترش سریع سرزمین‌های اسلامی و فرهنگ و تمدن آن سهولت بیشتری در کار نویسندگی و تهیه‌ی نسخ کلام الله را ایجاد می‌کرد. «اقلام سته» پاسخ‌گری آن نیاز بود. چند برگ قرآن منسوب به ابن مقله در موزه بغداد و یک نسخه کامل با رقم ابن بواب تا به امروز حفظ شده است.

از قرن چهارم هجری به بعد خط و ثلث و نسخ به سرعت جانشین خط کوفی در کتابت قرآن شدند خط ثلث بیشتر برای جزوه‌های تشریفاتی به حیات خود ادامه داد در حالی که نسخ علاوه بر آن کاربرد گسترده نیز کسب کرد. و خط ثلث مانند کوفی برای سر سوره‌های نسخه‌های نسخ استفاده می‌شد. چنانکه نسخه‌های خط ثلث دارای سر سوره کوفی و نسخه‌های خط نسخ سر سوره ثلث و کوفی بودند. اکنون با چند نمونه از این نسخه‌های کلام الله که به خط خوشنویسان ایرانی است آشنا می‌شوید.

معرفی نسخه‌های کلام الله به خط ثلث و نسخ و محقق و ریحان

۱. نسخه‌ی کامل کلام الله مجید در چهار مجلد همراه با ترجمه‌ی فارسی و تفسیر از «سورآبادی» این نسخه در حدود سال‌های ۵۸۴ هجری توسط محمد بن علی نیشابوری برای یکی از امرای خود تهیه شده بنابراین محل استنساخ آن را باید خراسان دانست.^۱ این نسخه در سال ۶۵۴ هجری توسط شیخ الاسلام ابوالفتح شمس الدین مظهر به

۱. سلاطین غور در میان سال‌های ۵۴۳ تا ۶۱۳ هجری در شرق ایران حکومت داشتند و پایتخت آن‌ها در فیروزکوه در افغانستان کنونی بوده نام غیاث‌الدین محمد بن سام که نسخه به نام او است در کتیبه‌های مناره معروف تربت جام آمده است.

مزار جد بزرگوارش شیخ احمد جامی وقف کرده است. و پس از افتتاح موزه ایران باستان (سابق) موزه ملی کنونی به آنجا منتقل گردید.

ویژگی های هنری نسخه

نسخه به ابعاد طول ۴۱ و عرض ۳۳ سانتیمتر بر روی کاغذ سمرقندی است. خط متن نسخ است و ترجمه و تفسیر نیز به خط نسخ با قلم نیم دانگ در زیر هر سطر و تفسیر در پایان هر سوره آمده است.

جلد آن چرمی، متعلق به زمان خود نسخه است و با گره های ضربی تزئین شده است.

آرایش نسخه

گرچه نام مذهب قرآن نیامده است ولی به هر صورت این قرآن را از لحاظ تذهیب بهترین نمونه فنی تزئینی زمان سلجوقیان سبک خراسان باید به شمار آورد. در سر لوح آن طرح های هندسی با گره های مرتب تلفیق شده و نقش های حاشیه آن که شامل علائم قرآنی است ترکیب زیبایی از شاخ و برگ های به هم پیچیده که اختلاف رنگ آن ها روی زمینه زر بر جلوه نقش بسیار افزوده است. همین ترکیب خطوط مستوی و هلالی شکسته بعدها در قرن هفتم متداول می گردد ولی در این زمان هنوز گلبرگ های منقسم دو تایی با شاخه های نازک مارپیچی عنصر اصلی آن را تشکیل می دهند. یکی از نوآوری های نقش های این قرآن ترکیب زیبایی است که از چهار هلال دو تایی گلبرگ به دور گل ستاره شکل کوچکی حاصل می گردد و اندیشه ی اصلی شمس را در بردارد. هر سر سوره حاوی نوشته کوفی است در میان شاخه های نازک اسلیمی به هم پیچیده گل های پُرپر که انتهای آن ها برگشته و همانند گلبرگ های کاشی ها و ظرف های فلزی آن زمان است.

دور نوشته متن در صفحات اول هر مجلد با قلم قرمز روشن محدود شده و گل های درشت دو برگی از پشت حروف روییده و مانند آن است که خط فرعی آن ها را قطع کرده باشد - در دوران سلجوقیان گاهی شاخ و برگ های تزئینی در ضمن امتداد حروف حرکت نوینی به وجود آورده است در پیشانی محراب امامزاده کرار - در منطقه برزن اصفهان این شاخ های گل از پشت سر سطر نوشته خارج شده است.



برگ از نسخه کلام الله به خط نسخ و ترجمه‌ی فارسی سر سوره به خط کوفی تمام مذهب و مرصع

۲. دوره‌ی کامل نسخه‌ی کلام الله مجید همراه با ترجمه‌ی فارسی و تفسیر از «طبری» به ابعاد ۳۹×۳۱ سانتیمتر این نسخه به قلم محقق در سال ۶۰۶ هجری توسط اسدبن محمد ابوخیار استنساخ شده و ترجمه‌ی فارسی با قلم نسخ ریز در زیر هر سطر و خلاصه «تفسیر طبری» در پایان هر سوره آمده است. و قلم محقق مورد استفاده از نمونه ممتاز این قلم است.

در پایان جلد هفتم - رقم مذهب احمدبن ابونصر بن العمرین عتیق پس از نام کاتب خوانده می‌شود و تاریخ پایان تذهیب ۶۰۸ هـ ذکر شده است که نشان می‌دهد این کار دو سال و سه ماه به طول انجامیده است.

شیوه‌ی کار احمد عتیق نیز با رویه‌ی خراسان منطبق است و ویژگی‌های آن را می‌توان چنین خلاصه کرد.

۱. در طرح سرلوح‌های خطوط مستقیم و هلال‌های شکسته با آزادی کامل با یکدیگر تلفیق شده و از ترکیب آن‌ها اشکال تازه‌ای به وجود آمده که حالت یکنواختی متن زرین را کاملاً از بین برده است.

۲. در حاشیه به جای ترنج‌های واقع بر دو گلبرگ متداول دوره سلجوقی نقش یک گل تزئینی از ترکیب دو شاخ و برگ به هم پیچیده که یکی با گلبرگ‌ها منطبق به‌طور شکفته و دیگری با شاخه‌ی نازک که در میان آن به حرکت درآمده مشاهده می‌شود.



نسخه در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.